

روزنه

آیت‌الله مؤمن:

اختیارات مقام معظم رهبری به قانون اساسی مقید نیست

● محمد مؤمن، عضو فقهای شورای نگهبان، با بیان اینکه محکم‌کاری‌هایی از سوی شورای نگهبان در موضوع خبرگان انجام شده است، گفت: اجازهٔ اجتهاد برای احراز صلاحیت خبرگان کافی نیست، بلکه باید علمیت افراد برای فقهای شورا اثبات شود. مهم‌ترین بخش صحبت‌های محمد مؤمن با سایت اندیشه‌ها به شرح زیر است:

● اختیارات مقام معظم رهبری بعد از اصلاحاتی که در سال ۶۸ در قانون اساسی به وجود آمد، ولایت مطلقه است؛ یعنی ولی‌فقیه بر تمام آنچه که در کشور می‌گذرد، اختیار تام دارد و این‌طور نیست که به آنچه در قانون اساسی آمده است مقید باشد. ولایت مطلقه را در حضرت امام(ره) اعمال کردند. به‌عنوان مثال حضرت امام(ره) دادگاه ویژه روحانیت را تشکیل دادند با اینکه اصل این دادگاه در قانون اساسی نیامده است. شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز در قانون اساسی نیامده است؛ اما حضرت امام(ره) تشخیص به تشکیل چنین شورایی داد. بنابراین ولایت امری رهبری نظام، ولایت مطلقه است و پاینده به آنچه در قانون اساسی آمده باشد، نیست. به‌عنوان مثال، مجلس حق ندارد در جایی دستوری بدهد که حتما از طرف مقام معظم رهبری انجام شود؛ یعنی شورای نگهبان می‌گوید حق اینکه بخواهید مقام رهبری را مقید کنید، نداردید.

● اگر مقام معظم رهبری درست دقت کرده باشد و اشخاص عادلانی را که بتوانند به‌خوبی شرایط را تشخیص بدهند و به وظایفشان عمل کنند، به‌عنوان فقهای شورای نگهبان برگزیده باشند، علی‌القاعده نباید برنامه‌ریزی و اقدام خلاف قانونی در انتخابات خبرگان به وجود بیاید. مگر اینکه شورای نگهبان به‌دربخور نباشد یا اینکه اعضای آن در مقابل عده‌ای به وظایف خود عمل نکنند. اگر این‌طور باشد، ممکن است برخی بتوانند در ترکیب خبرگان تغییر ایجاد کنند؛ اما محکم‌کاری‌هایی از سوی شورای نگهبان در موضوع خبرگان انجام شده است و اگر این محکم‌کاری‌ها باشد، اقدام خلاف شرع و قانونی انجام نمی‌گیرد. تابه‌حال هم در میان شورای نگهبان و فقهای شورای نگهبان و همچنین در بین اعضای که به‌عنوان خبرگان رهبری شناخته شده‌اند، افراد نابایی وجود نداشته است و اگر هم یک نفروضعفی ناپاب بوده، بیرونش کرده‌اند.

● یکی از جهاتی که تصمیم گرفته شد اجازه اجتهاد فایده‌ای نداشته باشد، این بود که اعتبارداشتن اجازه اجتهاد موجب می‌شد عده‌ای برای گرفتن اجازه اجتهاد به مراجع عظام تقلید اصرار کرده و باعث آزاروآبادت ایشان شوند و حتی بعضی از مراجع فرمودند به اجازه اجتهاد ما ترتیب اثر ندهید.

● پنج شرط برای اعضای خبرگان رهبری است. قانون می‌گوید: «مرجع تشخیص دارا بودن شرایط فوق، فقهای شورای نگهبان قانون اساسی می‌باشند». همچنین می‌گوید: «کسی نیاز به تأیید فقهای شورای نگهبان ندارد که رهبر انقلاب او را جلوتر در جایگاهی منصوب کرده بوده که آن جایگاه اجتهاد لازم داشته است، مانند جایگاه ریاست قوه قضائیه که اجتهاد لازم دارد». بنابراین فقهای شورای نگهبان قانون اساسی مسئول تشخیص صلاحیت اعضای خبرگان هستند و تا زمانی که قانون اساسی و قوانین شرع وجود دارد، وضعیت همین است و بقیه حرف‌ها همگی هیچ است، ما از کسی ترسی نداریم، ما برای تأیید صلاحیت افراد، امتحان می‌گیریم تا ببینیم سواد دارند یا خیر. سپس بررسی می‌کنیم ببینیم فرد سوادپه‌ا دارد یا ندارد، دیانت دارد یا ندارد. با کسی هم رودریاستی و پدرکشتگی نداریم.

● آزمون اجتهاد در قانون تعیین شرایط اعضای خبرگان نیامده است. مرجع تشخیص دارا بودن شرایط فوق، فقهای شورای نگهبان هستند؛ یعنی فقهای شورای نگهبان باید تشخیص بدهند فرد این شرایط را دارد یا خیر. گاهی کسی که ثبت‌نام می‌کند از ما هم فاضل‌تر بوده است و ما نیز او را می‌شناسیم. بنابراین این فرد نیازی به امتحان‌دادن ندارد. با کسی است که ما آشنایی‌ای با او نداریم؛ اما در حوزه تدریس می‌کند، نوارهای جلسات درس او نیز موجود است، خوب هم درس می‌دهد، ملا است و در مسائل سیاسی هم اظهار نظر کرده و مواضعش روشن است؛ این فرد هم نیازی به امتحان اجتهاد ندارد.

● در شرایطی که با عضوانی از اعضای خبرگان که در دوره‌های گذشته نماینده خبرگان بوده است و قصد کاندیداتوری در دوره جدید دارد، دو حالت پیش می‌آید: اگر فردی نزد فقهای شورای نگهبان امتحان داده باشد، دیگر نیازی به آزمون اجتهاد نیست و همان آزمون اول کفایت می‌کند؛ اما اگر در دوره اول انتخابات خبرگان رهبری که امتحانی در کار نبوده کاندیدا و عضو شده باشد، قاعدا علمیت وی روشن نیست و باید امتحان بدهد.

● فقها (آزمون اجتهاد انتخابات خبرگان) را تصحیح نمی‌کنند. مثلا آقای جنتی با این مشغله زیاد نباید ورقه تصحیح کند؟ فقط سه برکه بود که به دلایلی به بنده دادند تا تصحیح کنم. حتی به من گفتند در امتحان شفاهی که قرار است بگیریم، شرکت کنید که گفتم من نمی‌توانم. بیایم و فرد دیگری را در نظر بگیرید. امتحان کتبی را هم کسانی می‌گیرند که برای حوزه علمیه مورد قبول و شناخته‌شده باشند. حتی برخی از این افراد را مقام معظم رهبری می‌شناسند و قبول دارند و کسی در حوزه به آنها شک ندارد.

شرق؛ شاید هنگامی که اعلام کرد میهمان داریم، هیچ‌یک از حضار ذهنشان به سمت خبرنگار صداوسیما و نام ایمان مرآتی نمی‌رفت. اما مهران مدیری که هر شب برنامه «دوره‌می» را از شبکه نسیم به روی آنتن می‌برد، دو شب پیش، از این خبرنگار به عنوان میهمان برنامه‌اش دعوت کرد تا با او به سبک و سیاق همه برنامه‌هایش به گفت‌وگو بنشیند؛ گفت‌وگویی که به نظر می‌رسید بیشتر شبیه دراختیار گذاشتن فرصتی برای مرآتی بود تا او به برخی نقدها و گلیاه‌ها درباره خودش پاسخ

دهد. ایمان مرآتی را با باید ازطریق نمایش برنامه‌های خبری صداوسیما شناخت یا با چند کلیدواژه و تصویر. معروف‌ترین تصویر از او، حضورش در کنار محمدعلی ابطحي و محمد عطریانفر با لباس زندان در فضایی سرسبز و زیبا بود. مرآتی این گفت‌وگو را یک روز بعد از اعترافات ابطحي و عطریانفر در دادگاه‌های ۸۸ ضبط کرده بود تا آن نشان دهد هنگام اعترافات مطروحه در دادگاه تحت فشار نبوده است. مرآتی در برنامه مهران مدیری، به همین قضیه اشاره کرد و گفت: «در سال ۸۸ من یک گفت‌وگو با دو متهمان سرشناس فتنه ۸۸ داشتم. به من اعلام کردند که این دو زندانی خودشان می‌خواهند با بخش خبری صداوسیما گفت‌وگو کنند. ما در زندان حاضر شدیم و گفت‌وگو را گرفتیم».

این بخش از سخنان مرآتی با واکنش و تکذیب ابطحي روبه‌رو شد. ابطحي در کانال تلگرامی خود نوشت: «امروز کلی پیام داشتم که در برنامه دیشب دوره‌می، آقای خبرنگاری که آمده بود توی زندان با ما مصاحبه کرده بود گفته است، ما از توی زندان از ایشان با صداوسیما درخواست کرده بودیم قدم‌رنجه کنند و با ما مصاحبه کنند. البته از بس دروغ شنیدیم شاخ درنیاردم ولی کلی حرف‌هایی که درباره آن مصاحبه در زندان گفت، دروغ بود. والا آن زمان سلول انفرادی بودیم و راهی برای دعوت از ایشان نداشتیم. همین‌قدر کافی است که یک جا ثبت شود آن حرف‌ها دروغ بوده است. کرجه گمان نکنم کسی باور کرده باشد».

بعد از انتخابات سال ۸۸ بود که بلافاصله تعداد زیادی از اصلاح‌طلبان، از جمله چهره‌های سرشناس آنها، بازداشت شدند و با فاصله چندماه دادگاه‌های آنها در چند جلسه به‌صورت علنی برگزار شد و اما در ادامه در دستور دادستانی از علنی‌بودن آن جلوگیری شد. عباس جعفری دولت‌آبادی به‌تازگی در همین باره گفته است: «از جمله اتفاقاتی که در این‌دور رخ داد و خیلی هم سروصدا کرد، موضوع محاکمه علنی عوامل

جریان فتنه بود؛ زمانی‌که به تهران آمدم، دادگاه عوامل فتنه به‌صورت‌علنی انجام و گزارش آن بخش می‌شد، ما درعین‌حال که به مبارزه با جریان فتنه معتقد بودیم اما اعلام کردیم این اقدام باید مطابق قانون باشد و با مشورت قوه قضائیه به این نتیجه رسیدیم که بخش این دادگاه‌ها خلاف قانون و مقررات است، البته برخی از دوستان انقلاب از این موضوع دلخور شدند که چرا ما دادگاه فتنه‌گران را تعطیل می‌کنیم، معتقد بودیم که اگر مدار امور بر قانون باشد و برخورد‌ها قانونی باشد، مناسب‌تر است. در برابر این تصمیم مقاومت‌های زیادی وجود داشت، در مطبوعات نقدهای زیادی شد و خیلی‌ها هم رنجیدند، اما اعلام کردیم که بر اساس قانون رفتار می‌کنیم و نباید از ما انتظار خلاف قانون داشته باشیم... بنابراین عقاومت کردیم و تشکیل دادگاه‌ها ادامه یافت، اما غیرعلنی بود؛ تنها در یکی‌دو مورد علنی برگزار شد، اما انتشار گزارش جلسات دادگاه مطابق قانون بود و تأکید شد که در گزارش دادگاه نباید هویت متهمان فاش شود».

عزت‌الله ضرعامی، رئیس سابق صداوسیما، اما سال گذشته در مصاحبه‌ای که با روزنامه «شرق» انجام داده بود، درباره نحوه پخش اعتراف‌های ۸۸ و دادگاه‌های آن سال گفته بود: «... درباره پخش آن دادگاه‌ها و اعترافات، شورای عالی امنیت ملی تشخیص می‌داد که پخش آنها به‌لحاظ مدیریت ناامنی‌های موجود در کشور و کنترل امنیت به‌نفع مردم کمک می‌کرد. همه اینها براساس مصوبات امنیتی کشور است. برخی ممکن است مصوبه خاص شورای امنیت را داشته باشند، برخی دیگر به این شکل است که دبیرخانه براساس مصوبات شورای عالی امنیت، تصمیمات و رویه‌هایی را دنبال و براساس آن عمل می‌کنند... (شورای عالی امنیت ملی) همکاری بسیار نزدیکی با ما داشتند. ما هم همکاری می‌کردیم برای اینکه بتوانیم امنیت را در کشور حفظ کنیم».

ضرعامی در همان مصاحبه درباره نحوه پخش



تکذیب ادعای میهمان «دوره‌می»

ابطحي: سلول انفرادی بودیم، راهی برای دعوت از «مرآتی» نداشتیم

مصاحبه‌های تلویزیونی بعد از دادگاه با متهمان ۸۸، از جمله مصاحبه محمدرضا تاجیک با بخش گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه دو، نیز گفته بود: «درباره ایشان واقعا یادم نیست، ولی انتهایی که آمدند گفت‌وگو کردند، خودشان می‌خواستند؛ مگر اینکه بعدا بگویند که نه یک‌چور دیگر بوده است».

ماجرای گفت‌وگوی مرآتی با ابطحي و عطریانفر اگرچه ایمان مرآتی در برنامه دوره‌می مشابه اظهارات ضرعامی را بر زبان راند، اما دست‌کم محمدعلی ابطحي حالا اعلام کرده که آن گفت‌وگو به خواست او صورت نگرفته بوده است. اعترافات عطریانفر و ابطحي که وزن زیادی را از دست داده بود، در دادگاه، جو عجیبی را در کشور ایجاد کرد و واکنش‌های متعددی را به همراه داشت. تشکیک درباره آن اعترافات اهم واکنش‌ها بود، اما بعد از آن دادگاه، ایمان مرآتی در فضایی که به باغ می‌مانست، در مقابل ابطحي و عطریانفر نشست و سعی کرد تا از آن دو متهم درباره واکنش‌های بیرون از زندان به اعترافات آنها در دادگاه، تکذیبیه بگیرد، مثل همین خوراندن قصری که ابطحي در آن گفت‌وگو آن را توهین به فهم مردم و ادعایی شبیه طنز تشبیه کرده بود. ابطحي یک سال بعد از برگزاری دادگاه‌های ۸۸ با انتشاری تصویرش از آن دادگاه در صفحه فیسبوک خود نوشته بود: «پارسال مثل امروزی دادگاه داشتم. روز قبلش تمرین کرده بودیم. چه روزی بود...».

نظر بهزاد نبوی درباره اعترافات ۸۸

بهزاد نبوی که در ایام مرخصی از زندان به‌سر می‌برد، در جلسه دیداری که با برخی از هوادارانش داشت، در پاسخ به این سؤال که اصولا چرا او و برخی از یاران دربندش، حاضر به بیان اعترافاتی از جنس و شمایل اعترافات آقایان عطریانفر و ابطحي شدند؟ گفته بود: «زندانیان فعلی اوین دو دسته‌اند؛ دسته‌ای که زندان زمان شاه را تجربه کرده‌اند و دسته‌ای که بار اولشان است انفرادی و سختی و محدودیت و حصر

را لمس می‌کنند. هر دو دسته، هم می‌توانند مقاوم باشند و هم معترف! در دسته‌ای که زندان رژیم شاه را از سر گذرانده‌اند چیزی که باعث می‌شود به قولی کم بیاورند و آن‌گونه که دیدیم اعتراف کنند، فقط یک خلا ایدئولوژیک است... در جمهوری اسلامی که خود در ایجاد آن نقش داشته‌ایم، زندان را چطور توجیه کنیم؟ پاسخ به این سؤال می‌شود مبنای ماندن زندانی بر اصول خویش! اتفاقا... سعی می‌کنند از همین خلا وارد شده و زندانی را به تسلیم بکشانند. مازاد بر اینها، خلا خبری تام و کاملی که برای ما ایجاد کرده بودند نیز خود تشدیدکننده ماجرا بود... وقتی آقای ابطحي آن بیانات را در دادگاه کردند، من

با صدای بلند که خیلی‌ها شنیدند به ایشان به شوخی گفتم «باز هم به کفری‌خواست ددانستان!»، بآل حال نه از نظر اخلاقی و نه از نظر سیاسی به موضوع اعترافات چندان خرده نمی‌توان گرفت و مهم نظر مردم است که شما خود بیشتر واقفید».

مرآتی و املاک نجومی

از دیگر نکات بحث‌برانگیز مصاحبه مدیری با مرآتی، ماجرای املاک نجومی بود. در روزهایی که اسامی برخی از چهره‌هایی که املاک را دریافت کردند، منتشر شده بود، نام دو خبرنگار خبرگزاری صداوسیما هم به چشم می‌خورد؛ کامران نجف‌زاده و ایمان مرآتی. مرآتی در توضیحی که به مدیری داد، گفته: «سال ۸۲ به صداوسیما پخش نامه‌ای رسید که هر کسی که خانه ندارد می‌تواند ثبت‌نام کند و قسط‌بندی کند. من و کامران نجف‌زاده هم مثل بقیه دوستان صایردار و... ثبت‌نام کردیم و یک آپارتمان ۵۲ متری تحویل گرفتیم و تمام اقساط آن را به‌طور کامل پرداخت کردیم، اما چون اسم‌های ما آشنا بود، معروف شدیم به گرفتن املاک نجومی». روایت مرآتی و نجف‌زاده درباره دریافت مسکن با هم تفاوت فاحشی دارد، به‌طوری‌که ۱۳ شهریورماه ۱۳۹۵ کامران نجف‌زاده با انتشار پستی در اینستاگرامش نوشت: سه، چهار سال پیش ما هم به شرط فاقد مسکن‌بودن رسما به تعاونی‌ای به امید رسیدن به آپارتمانی ۵۰ یا نهایتا ۶۰ متری معرفی شدیم. با شرایط تمام تعاونی‌ها و همه ما کلی پول دادیم و کلی قسط مانده و هنوز احتمالا کلنگش را هم زده باشند».

برنامه دوره‌می مهران مدیری با شوخی و خنده به پایان رسید، اما انتخاب نوع میهمان آن سؤالات زیادی را در اذهان بی‌جواب گذاشته است. مدیری چندی پیش در شب نهدی هم از بازیگر فیلم «قلاده‌های طلا» به‌عنوان میهمان دعوت کرده بود؛ فیلمی در محکومیت حوادث ۸۸.

ادامه از صفحه اول

مسئول انحصار تلگرام کیست؟

می‌توان گشایش توأم با نظارت داشت. می‌توان عناصر ضدامنیتی را گرفت و بست؛ اما هرچیز ضدامنیتی جلوه داده نشود. اینک بر همه روشن شده است که فیسبوک با اخبار جعلی خود یک کلاه‌سقف خطرآفرین برای جهان را به نام ترامپ روانه کاخ سفید کرده است؛ اما به‌جای برخورد امنیتی و قضایی و بگیروبند، حداکثر اقدام علیه زاکربِبرگ، مالک آن، احضارش به کنگره برای ادای توضیحات بوده است.

۶- ما و ایران را خاص جلوه ندهید. تنها کشوری که یک رسانه اجتماعی به‌شدت فراگیر و اول آن را به‌صرف رسانه اجتماعی‌بودن و با ملاحظات امنیتی به‌طور قطعی و دائمی مسدود می‌کند، ایران است. ایران در حوزه رسانه، خاص‌های بسیار، کم ندارد. ایران جزء سه، چهار کشور جهان است که نظام پیشگیرانه حقوقی درباره مطبوعات (محدودیت در اخذ پروانه نشر مطبوعات) در آن اعمال می‌شود. ایران نمی‌دانم از این تعداد کاسته شده است؛ اما مطمئن هستم که بیشتر نشده است.

۷- مسئول انحصار و مونوپل تلگرام کیست؟ نتایج تصمیمات خود را به مردم منتسب نکنید. بر اثر همین نوع تصمیم‌گیری‌ها (بستن وایبر) بود که ایرانی‌ها به رسانه (ان‌موقع) گمنامی مثل تلگرام کوچ کردند و بر اثر همین نوع تصمیم‌ها بود که رسانه اجتماعی در ایران «روسیزه» شد؛ با تلگرام و مالک روسی آن و این انحصار حاصل آن تصمیم‌گیران جامعه بود نه انتخاب مردم. مونوپل تلگرام نتیجه سیاست و تصمیم نادرست مسئولان در بستن یک رسانه و کوچاندن مردم و مخاطبان به رسانه دیگر- تلگرام) بود. سبب شهرت تلگرام و وابسته‌کردن مردم ایران با عضویت ۴۰ میلیون کاربر ایرانی در آن، مسئولان و تصمیم‌گیران هستند. اینان باید مسئولیت خود را هم در قبال عواقب انسداد تلگرام بپذیرند. ۸- برخی تصمیم‌گیران در کشور ما اساسا هنوز با «رسانه» مسئله دارند؛ مسئله آنها هم ناشی از نوع نگاه و برداشتشان از کارکرد رسانه است. آنها رسانه را بیشتر مبلغ و «گوینده» می‌دانند و می‌خواهند، تا منتقد و «شنونده». مسئله آنها برخاسته از عدم تحملشان در شنیدن است و این شنیده‌ها و رسانه‌ها آنها برایشان گران می‌آید که با تصورآشان انطباق ندارد. شنیده‌ها از واقعیت می‌گوید، حال چایی این یا اینترنتی آن. این نگاه باید تغییر کند.

۱۰- بالاخره و مهم‌تر از همه اینها با بستن تلگرام یک امکان بزرگ، فوق‌العاده و بی‌بدیل از مدیران و تصمیم‌سازان جامعه برای سنجش افکار عمومی (موردنیاز تصمیمات) سلب می‌شود. آنها که مسائل اجتماعی ایران را دنبال می‌کنند بر این واقف‌اند که تلگرام فضایی است که به‌راحتی با گشتی در آن می‌توان به لایه‌های درونی ایرانیان پی برد. خواسته‌ها و آمال و آرزوهای مردم در این شبکه در دسترس است و برای کی تصمیم‌ساز چه بهتر از اینکه سریع، آسان، رایگان و مطمئن سنجیده‌ای این چنین از افکار عمومی در اختیارش باشد. رسانه اجتماعی- به‌خصوص تلگرام جامع‌ترین ابزار ابراز در ایران است.

به‌جای اینکه حرف‌ها در پستو گفته شود و زیرزمینی فعالیت شود، در تلگرام بیان و ابراز می‌شود و چه بهتر از اینکه تصمیم‌سازان جوامع چه بسار هزینه‌ها می‌کنند تا بدانند در میان مردم چه می‌گذرد. تلگرام به‌راحتی این سنجش را برای مدیریت صحیح جامعه و سیاست‌گذاری درست در اختیار آنها می‌گذارد.

ادامه از صفحه ۴

خران در بهار

الف: از دست‌دادن حمایت ارکان نظام که تکیه‌گاه اصلی او در سال‌ها حضور در عرصه سیاسی و اجرایی بوده است.

ب: از دست‌دادن پایگاه اجتماعی در میان مردم و آشکارشدن بسیاری از وعده‌های پوچ و توخالی او. هرچند ششده حاکمی از دل‌بستگی بخشی از اقشار محروم جامعه به این جریان است.

ج: از دست‌دادن ابزارهای و پایگاه رسانه‌ای جریان پوپولیستی که نقش حیاتی برای بقای او داشت. برای مثال، کانال تلگرامی او کمتر از ۱۵۰هزار مشترک و پیبنده دارد.

۶- اینک تا فرصت باقیی است باید دست‌اندرکاران کلان کشور برای چالش‌های پیش‌آمده برای اداره امور کشور تدابیری اساسی اندیشه کنند. تجربه گذشته نشان داده که روش‌های عوام‌گرانه و دامن‌زدن از سوی دستگاه‌هایی همچون صداوسیما جز اتلاف منابع ثمری ندارد و باید به‌شدت از آن پرهیز کرد. همچنین بستن فضای مجازی و محدودکردن ارتباطات غیرممکن است و به شکاف میان حاکمیت و مردم دامن زده خواهد شد. امید است سال ۹۷ سال تدبیر و امید و مدیریت راهبردی برای چالش‌های اساسی کشور باشد.

ان‌شاءالله

politics@sharghdaily.ir

سیاست

تعصب و تنگ‌نظری، تهدید امنیت ملی است

آسیای میانه یا مسلمانان هندوستان، اکثر آنها تابع یکی از این فرقه‌های درویشی هستند. مسلمانان اهل سنت ایران هم باز تابع یکی از این فرقه‌ها هستند. تعدادی از این فرقه‌های عرفانی هم شیعه هستند، مانند دراویش گنابادی یا اهل حق هم همین‌طور که بیشتر به تعظیم امام علی (ع) توجه دارند. کل این فرقه‌های درویشی و عرفانی در ایران، فرهنگ و ذات و ادب و آموزش‌شان در راستای یک شهروند نجیب، خوب و مطیع یک حکومت است؛ یعنی اینها اساسا یک جریان سیاسی یا مخرب و خطرناک نیستند. بالاخره همه فرقه‌ها در دانشان صلح، اخلاق، نوع‌دوستی، خدمت به مردم و عبادت خدا هست. اینها برای حکومت سرمایه بزرگی هستند؛ چون آنها شهروندانی آرام، نجیب و مطیع هستند. آنها برای تقابل با جریان‌های افراطی مانند داعش و طالبان که امروز بلای جان اسلام شدند، بهترین سرمایه هستند. این فرقه‌ها یار و یاور ما هستند. ما باید از آنها برای ارتباط با دنیای اسلام استفاده کنیم. آنچه ما را با اسلام آفریقا یا با اسلام در آسیای میانه ارتباط می‌دهد، همین درویشی است؛ زیرا اکثر دنیای اسلام درویش هستند، اکثر علمای دنیای اسلام درویش هستند.

۴ درویش هستند به چه معنی؟

یعنی تابع یک فرقه هستند. همان‌طور که گذشته همه درویش بودند، عمده مفاخر ایران درویش هستند. عمده بزرگان ما درویش بودند. تشیع هم از دل درویشی در آمده است، صفویه یک فرقه درویشی بودند که کم‌کم از درویشی و طریقت فاصله گرفتند و به فقهات نزدیک شدند. حالا وراه طریقت هم جذباتر است؛ اهل طریقت‌ها و دراویش به یک سلاح‌حیث‌ها عمدتا سیاسی یا در برخی اقصانات دیگر نمود همه دنیای اسلام، به وهابی‌گری و داعشی‌گری گرایش پیدا کرده بود.

۴ پس این مشکلی که در ارتباط با این فرقه در ایران به وجود آمده است، ناشی از چیست؟

به نظر من، این یک اشتباهی است که از طرف بخشی از حکومت و حاکمیت صورت می‌گیرد. مثلا تا مدتی عده‌ای افراطی و تندرو، با آداب و آرایش ظاهر «اهل حق» مشکلی پیدا کرده بودند و به هر بهانه‌ای با آنان برخورد می‌کردند و بنابراین عده‌ای از ایین دراویش، در اعتراض، دست به حرکاتی زده و به خود آسیب رساندند. حتی کار به جایی رسید که از حکومت و حاکمیت گرفته تا رهبری و رئیس‌جمهوری همه وارد شدند تا سرانجام، جلوی این مسائل و برخوردها و تعرض‌ها به این فرقه گرفته شد.

من معتقدم سایر مسائل هم به همین شکل است. اینها کار عده‌ای معدود صدفرقه و متعصب است. البته تعدادشان کم است، ولی به دلیل اینکه منسجم عمل می‌کنند برای جمهوری اسلامی دردسر درست می‌کنند. وگرنه ما نباید از ناحیه طریقت‌ها شکسته شویم، اتفاقا باید از طریق آنها حمایت شویم. آنها حامی جمهوری اسلامی و امنیت ایران، هستند. متأسفانه شاهد هستیم که خیلی‌وقت‌ها دراویش را تحمل نمی‌کنند. این افعال و این محدودیت‌ها، محدودیت‌هایی نیست که اراده حکومت باشد. بنده به‌عنوان کسی که هفت سال وزیر اطلاعات بوده و